



"لشگر مشکی پوشها"

سلام دوست داشتنی ها

سلام از یاد نرفتنی ها

و بهترین تعبیر؛

سلام "لشگر مشکی پوشها"

ممنونم که مهربانید

ممنونم که قدر خودتون و جمعتون رو می دونید

ممنونم که حسابی قدر توفیقاتی که الله تعالی بهتون داده رو می دونید،

بخصوص در این روزگار که کم تر جمع و فردی هست که چنین توفیقاتی

داشته باشه، "عقل" و "دلی" که "حسین جان" رو پیدا کرده باشه و دورش

بگرده و تا اسمش میاد میشه اولویت همه ی زندگی...

ممنونم که قدر "لحظات و دقائق" زندگیتون رو می دونید

ممنونم که قدر "سلامتی جسمی و روحی" خودتون و خانوادتون رو می دونید

ممنونم که مدام به همسر و فرزندانتون لبخند می زیند و "آداب مومنانه"

زندگی کردن رو رعایت می کنید

ممنونم که خوش سخن و خوش رو و اهل خوش و بش و "خاکی" هستید،

دقیقا مثل "حسین جان"

خوب آخه شما یه عمری پای روضه ها شنیدید که وقتی لشگر حُر راه رو بست

بر ارباب، جناب زهیر آمد محضر آقا و گفت؛ این ها تشنه هستند و خسته، اذن

بدید همین حالا بهشون حمله کنیم...

"حسین جان" با تعجب فرمودند؛ زهیر! گفتی تشنه اند؟! پس چرا ایستادی!

وقتی می بینی کسی تشنه است باید بهش آب بدی، وقتی خسته است باید بهش

پناه و امان بدی، برید مشک های آب رو بیارید سیرابشون کنیم

آخ حسین جان، آخ حسین جان...

ممنونم که اوقاتتون رو چه در منزل، چه در ماشین، چه در هر جا "ضایع" نمی کنید و برای همین از "غصه های" که خیلی ها این روزها دائم تو قلبشون احساس می کنند بی خبرید، شماها پای منبر بزرگ شدید و خوب تعلیم دیدید که مولا فرمودند؛ "إضاعة الفرصه غصه" هر فرصتی را ضایع کنی غصه قلبت را فرامی گیرد

ممنونم که اگر جایی باشید سعی می کنید اونجا مملو بشه از بوی "حسین جان"

ممنونم که تو نمازهاتون تا "توجه" به الله تعالی تو قلبتون رخ نده، از سر سجاده پا نمیشید

ممنونم که به جای اینکه 'هیئت' باشید، "امام حسینی" هستید، که این جمله رو مرحوم آقای بهجت چقدر حکیمانه متذکر شدن، چرا که هیئت بستر معرفت و توجه به "حسین جان" است، نه هدف، همانطور که نماز بستر توجه به معبود است نه هدف...

ممنونم از اینکه تمام زندگی تون رو در بستر "حکومت حکم خداوند" پی ریزی کردید و برای همین وقتی کسی با شما مواجه میشه دریچه ای از معنویت و علم و مهربانی و اصالت که تماما ظهورات "غیب" هستند به روش باز میشه، حالا چه در خیابون شما رو ببینه، چه در مهمانی، چه در تحصیل، چه در محل کار، چه در "فضای مجازی"

ممنونم که تمام سعی تون رو می کنید در تمام اوقاتتون تا "مومن" باشید و برادر مومنی برای همسنگراتون در سنگر عظیم و دوست داشتنی "ایران حسینی" ممنونم که قدر این "چله ی" حسینی رو می دونید، یعنی تا اربعین را از دست نمی دید و تمام فرصت های خالی تون رو برنامه ریزی کردید تا یا پای کتابی متقن پیرامون حضرت ارباب مبانی تون رو مستحکم کنید و اندیشه تون رو قوی...

یا پای روضه ای قلبتون رو جلا می دید و زلالی شخصیت پیدا می کنید

یا پای منبری موعظه میشدید و قلبتون رو احیاء می کنید

یا جارو می زدید و چای می ریزید و مست میشدید از "خادمی حسین جان" راستی همونطور که برای جنگ با دشمن خارجی سلاح نیاز هست، سلاح متناسب مقابله با دشمنان داخلی و رذایل و حجب و اینها چیه؟!؟

ممنونم که با اشک هاتون مسلح میشدید برای اصلاح باطن و نفله کردن هر چه دشمن داخلی هست، یا همون چیزهایی که ما رو از حسین جان دور می کنه ممنونم که قدر سلاح بکاء رو می دونید

ممنونم که با "حسین جان" دار شدن به همه یاد می دید بایستی حسین جان رو "داشت" و گرنه با "حسین جان" دان بودن کسی نجات پیدا نمی کنه حسین جان یک علم نیست که فقط ازش آگاه باشی!

حسین جان "وجودی" است که باید آن را "داشت"

حسین جان تاریخ و فلسفه و فقه و کلام و فیزیک و شیمی نیست که اون رو بدونی! حسین جان حقیقتی است که میشه باهاش باشی، در هر عصری، حتی میشه حضرت آدم و موسی و عیسی باشی و علی الظاهر قبل از حسین و واقعه ی کربلا، ولی اون رو داشته باشی و براش بسوزی، باهاش عشق بازی کنی...

شما که بهتر از من می دونید اولین سری که حضرت خضر برای حضرت موسی مطرح کرد جریان کربلا بود و هر دو تاشون با هم به شدت گریه کردند ممنونم به همه عالم گرفتار در مدرنیته ی "کسالت" زا دارید نشان می دید که فقط و فقط میشه با "حسین جان" از کسالت در آمد

کسالت یعنی "رفتن در خود" و حسین جان وقتی انسان رو از کسالت درمیاره یعنی در حقیقت حیاتی نو به محبانش میده که اونها دچار "از خود برون آمدن" میشن

همون رازی که جناب حافظ می گفت؛

شهر خالی است ز عشاق بود کز طرفی

مردی از خویش برون آید و کاری بکند

آی مشکی پوشها

ممنونم که با "حسین جان" حسابی "زیبا رو و زیبا خو" شدید

ممنونم که چشمهاتون زلال و زیبا و پاکه، باید هم این باشه، چرا که نهضت حسین جان، نهضت پاکدامنان است و پرهیزکاران

ممنونم واقعا ممنونم که هیئت هاتون بوی "امام و شهدا" رو میده

ممنونم که به "عکس امام و شهدا" بسنده نمی کنید و هیئت و ساختارش رو مشحون می کنید از "اندیشه" ی امام روح الله، از اندیشه ی شاگردانش یعنی شهدا

ممنونم که هیئت هاتون در عین "نوین" بودن "سنتی" است و با اصالت

ممنونم که به عالم نشان دادید شیعه "هنگامه ای" داره که مسجد نیست، کلیسا نیست، حوزه نیست، دانشگاه نیست، فرهنگسرا نیست، پژوهشگاه نیست، سازمان نیست، فقط و فقط "هیئت" است و روضه، اما هر کس طعمش رو بچشه دیگه امیدش میشه اونجا، در عین اینکه اهل مسجد و حوزه و دانشگاه و کذا هست، ولی قرار دل بی قرارش "روضه" است...

که روضه راز شیعه ست...

و بسیار ممنونم که دعا خواهید کرد من هم به این چیزهایی که گفتم متمسک و متصف باشم

دوستتون دارم دوستان امام حسینی من

کسی که عشق نداند ز زمره ی ما نیست

گروه ما همگی عاشق اند یا معشوق

